

توضیح: متن زیر مذاکرات بین دو سازمان چریکهای فدائی خلق ایران و بخش مارکسیست شده سازمان مجاهدین خلق ایران است که از روی نوار های صوتی به صورت نوشتار در آمده است.

با سپاس از رفتائی که در امر تبدیل گفتاری آن مذاکرات به صورت نوشتاری، شرکت کردند.
سایت سیاهکل - دسامبر ۲۰۱۰

(نوار شماره پنج - قسمت سوم)

حمید اشرف: نه

تقی شهرام: هان

حمید اشرف: این هستش که شما گفتید که ما در درون، گفتید که گروههایی که می تونن در جبهه شرکت کنند اینها هستند

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: و علیرغم اختلاف نظری هم که با ما دارند می تونن باشن در جوار ما

تقی شهرام: و در سازمان خودشون، در

حمید اشرف: و ما

تقی شهرام: بله

حمید اشرف: در چارچوب جبهه با اینها بحث خواهیم کرد که ببینیم راه اونا درسته

تقی شهرام: نه نه

حمید اشرف: یا راه ما

تقی شهرام: نه همچه حرفی نزدیم، ما گفتیم بهترین جا برای مبارزه ایدئولوژیک با اینها تو یک جبهه هست، ببینین فرق میکنه، یک موقع هستش که شما میگی که ما تردید داریم رو این مسئله و بعد حالا بیایم بنشینیم اونجا

حمید اشرف: ولی

تقی شهرام: در باره تردید بحث کنیم

حمید اشرف: ولی شما مبارزه ایدئولوژیک را به این قاطعیت طرح نکردین

تقی شهرام: نه طرح کردیم

حمید اشرف: ولی

تقی شهرام: اتفاقاً یک بند هم اختصاص دادیم به مبارزه ایدئولوژیک که در چنین شرایطی، در چنین مثلاً چارچوبی مبارزه ایدئولوژیک سالمتر و صحیح تر پیش میره، اتفاقاً مورد نظر ما هم همینه، یعنی این که اصلاً ما یک جایی پیدا کنیم اینا یقه شونو بچسبیم باشون برخورد کنیم، نمیدونم، حرف ما اتفاقاً اینه، یعنی ما نمی گیم که در واقع ما رو خط خودمون تردید داریم و یا در واقع ممکن مثلاً فرض کنید که اصلاً این مسئله خیلی قابل توجه که به دلیل همین برخوردهایی هم که ما داریم، اتفاقاً ما، رفقای که مسئول مثلاً برخورد هستند با این گروهها، اینها بیشتر از هر کسی به واقعاً دست آوردهای جنبش مسلحانه میان و در واقع ایمان میارن، چون عملاً میرن و وضعیت اینها رو می بینن که در عین حال در عین این که واقعاً و مثلاً از صبح تا شب میرن کار میکنن و میان و از مثلاً خوابشون میزنن و میخوان مطالعه کنن، نمیرسن و خرده کاری زیاد دارن اینا بین چقدر پرت اند، و چقدر در واقع به اصطلاح سوراخ دعا را گم کردن و ما برای اینکه بهترین جای مناسب رو برای برخورد با اینها، این نیروهای

که بهر حال قسمتی از اینها رو می‌تونیم جذب کنیم، می‌تونیم در رابطه با سازمان مثلاً با جنبش مسلحانه سازمان بدیم، قسمتهایی زیادی از اینها را می‌تونیم افشاءشون کنیم، می‌تونیم به قول معروف پاکشون بکنیم و در واقع انحرافاتشون رو نشون بدیم، ما مسئله جبهه را مطرح کردیم و فکر نمی‌کنیم یک چیزی باشه که اصلاً، در اینجا به هیچوجه چنین مسئله‌ای بیرون نیاد که ما تردیدی داریم راجع به جنبش مسلحانه، ببینید اصلاً قواعد، قضیه درست ضدش فهمیده شد. ما می‌تونیم اینو آگه شما نمونه شو نشونمون بدید حتی مشخصاً در این چاپ دومش که می‌خوایم بذاریم متوقف کنیم توضیح مجددی در مقدمه بدیم که از نظر ما چیه، اگر ابهامی پیش میاد راجع به این مسئله، یعنی ما نظراتمون اون تو مشخصه، ما هیچوقت به قول معروف کشته مرده اینها نیستیم که مثلاً دارن کار سیاسی میکنن از نظر ما یک کار انحرافی ولی بدلیل اینکه در باز در جبهه مبارزه با رژیم هستند بهر حال یک ارتباطی با ما می‌تونن داشته باشن ولی این ارتباط به عقل ما میرسه چیه، تو یک جبهه است و باید تو این جبهه با اینها مبارزه ایدئولوژیک کرد ولی الان ما چکارشون می‌خوایم بکنیم؟ چه برخوردی باشون می‌تونیم داشته باشیم؟ یعنی اصلاً

حمید اشرف: همین برخوردی که کم و بیش دارید ادامه (نامفهوم...)

تقی شهرام: این برخورد عملاً وجود نداره رفیق، اصلاً مثلاً واقعاً اینا اینقدر تصورات ابتدایی راجع به جنبش مسلحانه دارن که حد و حساب نداره، یعنی اینا به دلیل همان اپورتونیسیم شدن حتی که رهبری شون داره و یا به دلیل خیلی چیزای دیگه اصلاً چیزی از ما نمیدونن، مثلاً در مورد شما مثلاً فرض کنید همین یک گروه گفتش که بابا اینا مثلاً فرض کنید که چیزی بیرون ندادن که اینا مثلاً خودبخود نمیدونم از بین رفتن، تمام شدن و کاره‌ای نیستن، این که مال اینها اینا هم که نمیدونم مجاهدین هم، که اینا هم نمیدونم تازه ایدئولوژیستونو عوض کردن، خودشون همدیگر رو لو میدن و عین همین جمله که دارم میگم، عین یکی از همین گروه هاست گفت که اینا افتادن به اینکه خودشون همدیگر رو لو میدن و این جریان مثلاً لباف اینا رو اشاره می‌کرده، به یک آدمی که فکر نمیکرده مثلاً با ما ارتباط داشته باشه، اونا که دارن خودشونو لو میدن و اینها هم امروز و فردا از بین میرن و بنابراین جنبش مسلحانه چیزی ارزش نمونده، اینا حرفی ندارن بزمن اصلاً هیچی ندارن بکن هیچ برخوردی ندارن، واقعاً هم به این حرفی که میزنه، حالا بگذریم از همون میگم جهت اپورتونیسیتی که حاکم بر اینها، این بوده این، این مجموع دانستنی هاش از این دو تا سازمان این بوده، و آدم مثلاً فرض کن خیلی هم فعال (نامفهوم...) حالا شما حساب بکنید مثلاً یک قیاسی بگیرید که مثلاً ما واقعاً با اینا چه جوری می‌تونیم برخورد کنیم، بقول شما رهبریشون مثلاً امکان خیلی زیاد داره همینها باشن یا به دامان اینا بیافتن و آدمهای اپورتونیسیت، ولی آیا واقعاً این آدمهای اپورتونیسیت این نیروهای که در جامعه ما به اعتباریک سری زمینه‌های اجتماعی به اعتباریک سری مسائل دیگه که از جمله عدم برخورد ما هست، و عدم وحدت و تشکل و در واقع نیروی ما هست و خیلی چیزهای دیگه، این امکان نداره که یک سری نیروها را به هرز برن، شیوه برخورد با اینا چیه؟ کجا باید باشون مبارزه ایدئولوژیک کرد؟ آیا اینا هیچ نیرویی نیستن، هیچ به حساب نمیان؟ یعنی مثلاً مبارزه با رژیم هیچ معنایی نداره؟

حمید اشرف: معنایی داره؟

تقی شهرام: آگه به همین شکل اش باقی بمونه ما هیچ اقدامی نکنیم واقعاً نه، یعنی در واقع در جریان طول تاریخ خودش تبدیل میشن به یکی از ابزارهای بورژوازی، معلومه، ولی الان

حمید اشرف: ولی اینها

تقی شهرام: هان

حمید اشرف: به نظر من رشد هم نمیکن

تقی شهرام: آخه اینطورها هم نیست

حمید اشرف: یعنی اینها در حقیقت

تقی شهرام: خیلی نیروها رو اینها، مثلاً اصلاً خیال میکنی غافل از اینکه چقدر اینها کارگرهای ساده و جوون رو اغفال میکنن و چقدر از این کارگرا هستن که میرن دنبال اینا بعد و بیچاره‌ها میدونی دیگه کارگره دیگه، طرف دو کلمه حرف خوب میشنوه از این، دو تا حرف مثلاً فرض کن مطابق طبعش میشنوه و خب میره دور هم جمع میشن و شروع میکنن، خیلی اصلاً اینها رشد کمی اتفاقاً زیاد می‌کنند.

حمید اشرف: و ضربه هم نمی‌خورن

تقی شهرام: چرا ضربه هم نمی‌خورن، یعنی از چه نظر میگی ضربه هم نمی‌خورن؟

حمید اشرف: یعنی

تقی شهرام: یعنی از نظره

حمید اشرف: یعنی آیا شما گروهی از این رده سراغ دارید که پایدار مونده باشه مثلاً چهار سال پنج سال

تقی شهرام: خب حالا من یک سؤال دارم، امکان داره نشه، یعنی حتی الان مثلاً یک گروه هستش که میگه الان، اینطور که میگن چهار پنج سال، داریم کار میکنیم، از این گذشته ولی یک مسئله هست آیا ما باید واگذار کنیم به پلیس که اینها رو نابود کنه بگیردشون و ببنادازد تو هولفدون، کدوم؟ یعنی ما بذاریم که در جریانات جبری خودبخودی بیاد پلیس اینها را نابود کنه

حمید اشرف: نه مبارزه کنید باشون افشاء کنید، خط مشی شون، چون اینها

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: سر منشاء اینها توی روشنفکرها است، یعنی کسانی که سرگروه میشن، تو این موارد تو محیط روشنفکری ان دیگه طبیعیه یعنی حالا جنبش (نامفهوم...)

تقی شهرام: یعنی منظورت از روشنفکری رو اگر بگی دانشگاهی قبول ندارم اگر بگی روشنفکریه معنای عام تر اش چرا.

حمید اشرف: همون دیگه روشنفکریه معنای عام تر اش که بخش اعظمش دانشگاهیه یعنی چون به اصطلاح جامعه فارغ التحصیلان دانشگاهها

تقی شهرام: نه مثلاً اینا تپههایی بودن تکنیسین بودن نمیدونم فرض کن که روشنفکر بودن قبوله

حمید اشرف: اگر تکنیسین هم بودن

تقی شهرام: آره از روابط

حمید اشرف: تحت تاثیر

تقی شهرام: جریانات روشنفکری این کار رو

حمید اشرف: دانشگاه

تقی شهرام: درسته میگم

حمید اشرف: دانشگاه و روشنفکران و خارج از کشور . یک مهندسی لابد که عضو توفان بوده قبلاً با فدراسیون که بوده اومده، این تکنیسین رو روش کار کرده یا اینکه نمیدونم داداش اش فلان بوده و واسه ش کتاب فرستاده.

تقی شهرام: خیلی خوب

حمید اشرف: یا که طرفدار حزب توده است و شبها رادیو پیک گوش میده، اینان

تقی شهرام: نه . با حزب توده خیلی هاشون مخالف اند اصلاً با حزب توده، رادیو پیک اینا رو

حمید اشرف: خیلی هاشون هم موافقند

تقی شهرام: عمدتاً هم موافقشون اصلاً آدم جرئت نمیکنه بهشون نزدیک بشه چون بلافاصله دمشون به پلیس وصله

حمید اشرف: گفتم که اینا دو رقم اند، یا سرشون به جناح های چینی وصله یعنی بگیری نخ رو بری به جلو میرسی به اونجا، یعنی هیچکدوم از اینا نیستن که اتوماتیک و خودبخودی به اون رسیده باشن که باید رفت میان کارگرا و کار سیاسی کرد

تقی شهرام: ببینین مثلاً حال برای اینکه، ها اتوماتیک یعنی چی؟ یعنی مثلاً

حمید اشرف: یعنی خودشون با غرائزشون به این رسیده باشن، واسه اینه که میگم این جریان سرمنشاء ش در این دو بخش خوابیده و با این دو بخش که مادر همه چیزه جریاناتیه باید مبارزه کرد هم با حزب توده. با اپورتونیسیم حزب توده وهم با اپورتونیسیم سازمانهای طرفدار چین

تقی شهرام: هوم

حمید اشرف: با هر دوی این جناح ها باید مبارزه کرد، افشاءشون کرد و

تقی شهرام: خب این چیزی که تو تصویر میکنی یعنی یک جریانی عمده‌تاً جزء یعنی در واقع می آئی یک جریانی که الان عملاً یک مقدار زیادش جداسه، یعنی الان نیروهایی هستن مثلاً از این تیپهایی که مثلاً یکی از همین افراد ادعا میکنه که مثلاً جزء، قبلاً جزء عناصر شما بوده، ما نمی دونیم، شاید هم بوده و جزء سمپاتیهای شما بوده و مثلاً بعداً در جریان مثلاً مطالعه ش پی برده که این غلطه و ول کرده رفته، سال پنجاه و یک، پنجاه این حدود ها رفته تو کارخونه و هنوز هم داره کار میکنه، از سال پنجاه

حمید اشرف: کیه این با کی ها ارتباط داشته؟

تقی شهرام: این با شما تماس داشته، مثال ها یک همچو کسیه، بعد این آدم رفته و بعد مثلاً عناصری جمع و جور کردن و تو کارخونه کار کرده و الان مثلاً چهار ساله تو کارخونه کار میکنه

حمید اشرف: بینم اینها چی شدن تو این چهار سال

تقی شهرام: خب یک عده ای شدن، جمع و جور شدن

حمید اشرف: چه کردن؟

تقی شهرام: هیچی، اگه بخواین از نظر واقعاً تأثیراتش روی جنبش بخواهیم توسعه بدیم هیچی، ولی واقعیت اینه که اینا میرن و تو جریان خودبخودی خودشون جریانات نافی ایجاد میکنن بقول تو یک موقع هم پلیس میگرفتتون میندازنشون تو هلفدونی بعد هم یا در واقع می افتن دامن در اصل همان اپورتونیستهای و در دستشون قرار میگرن و باز به یک شکل دیگه ضربه می زنن. اما من میخوام اینو بگم که بهر حال اینا یک جریانی هستن این جریانشون رو حتی اگر اپورتونیستهای هستن ما باید بیام روشن بکنیم که این اپورتونیسیم واقعاً الان تبدیل میشه به یک یعنی مبارزه ما در مقابل یک جریان اصولیه یعنی ما الان هیچ وحدتی هیچ رشته پیوندی با اینا نداریم، یعنی صرفاً و صرفاً رابطه ما با اینا رو مبارزه تعیین میکنه و اگر اینطوره که اگه حرف های تو داره اینو نشون میده که این تقریباً مخالف حتی نظرات خود شماست تو این حتی مثلاً چیزهایی که بنام رفیق جزئی اینا منتشر کردید یا نوشته های دیگه تون، یعنی حتی شما جای دیگه این نظر رو ندارید، و میگید اینا را باید بهر حال باهاشون برخورد کرد یک وحدتی باشون داشت و الی آخر. و دلائلی هم راجع به این مشخصاً در واقع برعکسش اونجا ارائه شده که به هر حال اینها مثلاً فرض کنید می تونن در یک هدفهایی مثلاً در تحت یک سری چارچوب های سازمان پیدا کنن، یک استفاده ای ازشون بشه، هست تو همون اتفاقاً همین جزوه "چگونه مبارزه مسلحانه توده ای میشود" رفیق جزئی این موجوده این مسائل، شما منتشرش کردید حتماً قبولش دارید. این هم یک مساله

حمید اشرف: نه ما اون چیزی که روش نظر داریم متفاوته با کاری که اینها می کنن. یعنی اون جنبشی که حول محور تبلیغ مسلحانه صورت میگيره

تقی شهرام: خب اون که اصلاً چیز

حمید اشرف: یک مساله هست، جنبشی که یعنی جنبشهای اقتصادی که این مساله رو به شکل محوری قبول دارن و در رابطه با سازمان به اصطلاح مسلح کار میکنن یعنی بخشی از این جریان میشن کمااینکه خود ما هم یک همچو جریاناتی ایجاد می کنیم. تو کارخونه ها میریم، گروه کارگری هم ایجاد می کنیم ارتباط کارگری می گیریم، سعی می کنیم عملیات بکنیم در رابطه با کارگرا، نمی دونم تبلیغات بکنیم تو کارگرا

تقی شهرام: خب این که جای بحث نیست

حمید اشرف: اینها کارهایی که

تقی شهرام: خب این کارهایی که جای بحث نیست، ما کردیم، ما هم میدونیم شما هم میدونین اینا موجوده

حمید اشرف: و شکل اصولی کار ولی اینها نیست و در این رابطه گروههای کارگری مثلاً بطور مشخص این گروهها در کارخونه جات ذهن کارخونه ها ذهن کارگرا را به جنبش مسلحانه مخوش می کنن

تقی شهرام: خیلی خب

حمید اشرف: و در این رابطه تبلیغاتی هم میکنم، به این صورت که همون چیزایی را که تو رادیو شنیدن یا نمیدونم تو این جزوه ها می نویسن این خارج از کشوری ها عمدتاً اینهاست

تقی شهرام: بسیار خب

حمید اشرف: و جنبه های تئوریک کارشون رو اونا تعیین میکنن، اینها حمله میکنن

تقی شهرام: خب ببین

حمید اشرف: کما اینکه

تقی شهرام: یعنی ما هم باید بهشون حمله کنیم، نه یعنی این مهمه اونا مسلماً مخالف ما، ما هم مسلماً از نظر اصولی و استراتژیک باشون مخالفیم ولی این آیا همه مسائل و همه رابطه ما با این همین مسئله مبارزه باشون در واقع در همین خلاصه میشه، یعنی هیچ رابطه دیگه ای ما با اینا نداریم

حمید اشرف: ما باید در رابطه با گروههای مشخص، تحلیلهای مشخصی داشته باشیم

تقی شهرام: خب این معنا نداره، حتماً تو باید از این گروههای مشخص یک جمعبندی عمومی هم دربیاری

حمید اشرف: جمعبندی عمومی باید اونوقت یه تجارب را جمعبندی کردو کلاسه شون کرد

تقی شهرام: خیلی خب

حمید اشرف: و در رابطه با جناح های (نامفهوم...) مثلاً میگی جناح های حزب توده که اصلاً نباید اونها باشند

تقی شهرام: خیلی خب بسیار خب نظر ما هم همینه

حمید اشرف: و مبارزه هم باید باش کرد دیگه

تقی شهرام: بسیار خب

حمید اشرف: یا اینکه جناح چینی شون

تقی شهرام: البته من با اون تقسیم بندی صد درصد گفتم موافق نیستم چون اینطورها هم نیست

حمید اشرف: می دونم فکر میکنید که گروهها بجز این دوتا، منشاء دیگری می تونن داشته باشن

تقی شهرام: ببین من قبول دارم که اینا ممکنه در نهایت اگر که واقعاً باشون برخوردی نشه اینها بهرحال میرن، به یک چنین سمتهایی میرن

حمید اشرف: صحبت سر به سمتهایی میرن نیست

تقی شهرام: خیلی مسئله س

حمید اشرف: صحبت بر سر اینه که اینا چرا اومدن

تقی شهرام: آخه یک مسئله است

حمید اشرف: سؤال اینه اینا چرا اومدن، از کجا اومدن؟

تقی شهرام: خیلی خب

حمید اشرف: اینا از کجا اومدن؟

تقی شهرام: معلومه اینا از کجا اومدن

حمید اشرف: از کجا؟

تقی شهرام: اینا از نظر اجتماعی مشخصه، وقتی یک جنبش یعنی در واقع آگه بخوایم اینا حسابشو بکنیم بطور تئوریکمان می‌تونیم ما اینها را انحرافات درون جنبش کارگری می‌بینیم، یعنی این در واقع نمایندگان همون بخشی از در واقع به حساب افشار شاید اریستوکراسی کارگری یا خرده بورژوازی مرفه ای هستن در واقع خرده بورژوازی کارگری هستن که چیه؟ که در واقع همون خط مشی اکونومیستی رو دنبال میکنن و منافع این نوع قشرها و این عناصر رو چکار میکنن توجیه میکنن. یعنی از نظر تئوریک فرقی خیلی روشنه یعنی اینا منافع این قشر از کارگرا، این قشر از سرپرستها، این نمیدونم عناصر بالای کارگری رو توجیه میکنند. اینا در واقع اون افشار به اصطلاح بورژوازی کارگری اند، اریستوکراسی کارگری اند و اینها منافعشون در این رابطه است، یعنی آگه بخوایم از نظر طبقاتی بگیم این یعنی همون در واقع همون انحرافات هم که اینا ایجاد میکنن دقیقاً انحراف در درون همین جنبشه، و ما اتفاقاً با همین قضیه، ظرافت قضیه هم در همین، که ما وقتی اینا مثلاً صحبت می‌کنن از مسئله نمیدونم فرض کنید که رد مبارزه مسلحانه و میخوان که از شیوه‌های نمیدونم سیاسی و اینا کار کنن عملاً شیوه سیاسی در کار نیست، عملاً شیوه‌های چی میشه؟ اکونومیستی میشه. اینا را ما میدونیم ولی ما اینو میخوایم بگیم که آیا ما هیچ راهی، هیچ وحدتی، هیچ نوع در واقع مثلاً خط واصل ای بین خودمون و این عناصر که همشون عناصری نیستن که صد در صد وابسته باشن، توشون عناصری هم هستن که اغفال شدن در واقع عناصری هستن عناصری از کارگرای ساده هستن، کسای هستن که ممکنه برگردن ممکنه تصحیح بشن، و خیلی از این در واقع قبیل کسای دیگه که به سمت این گرایش پیدا میکنن. اینا برگردن به جنبش مسلحانه و متقاعد بشن، در میون شون در عین حال هست. آیا و در عین حال هم یک موضعی که دارن، ضدبورژوازی دارن، این خیلی مهمه، اونوقت این موضع ضد بورژوازی اینها، این موضع در عین حال ضد رژیم اینا، در عین اینکه از یک موضع به اصطلاح واقعاً پرولتری و صد در صد انقلابی نیست، موضعه پرولتری نیست آیا هیچ برخوردی را هم ضرورت به اصطلاح ایجاب نمیکنه هیچ به اصطلاح برخورد وحدت آمیزی هم با اینا نمی‌تونیم داشته باشیم، ببینید بخش حزب توده شون را بذاریم کنار، ها! کسانی که میرن کار می‌کنن ولی در مجموع می‌دونیم منفعی که از این کار اینها عاید میشه واقعاً منافع صد در صد پرولتاریا نیست

حمید اشرف: می‌تونیم تماس بگیریم باشون کار کنیم؟

تقی شهرام: آخه میدونید منافع چه بخشهایی هستن

حمید اشرف: امکان مون را در اختیارشون قرار بدیم

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: باشون جلسه کنیم

تقی شهرام: خب

حمید اشرف: بحث بکنیم

تقی شهرام: خب این، این معنای چیه مثلاً فرض کن

حمید اشرف: ارتباط بین دو تا سازمان

تقی شهرام: خب حالا فرض کنید که این در طرح یک چارچوب مثلاً بزرگتر یک در صورت چارچوب مکمل کامل تر این مسئله به درستی به درست تر و صحیحتر پیش نمیره. مثلاً

حمید اشرف: اگرهم چنین چارچوب کاملتری وجود داشته باشه

تقی شهرام: آها

حمید اشرف: و خطوطش مشخص باشه

تقی شهرام: مثلاً همین خطوطی که ما پیشنهاد کردیم در مورد مسئله جبهه

حمید اشرف: خطوطی که شما پیشنهاد کردید خطوط نامشخص بود

تقی شهرام: خب مشخص می‌کنیم

حمید اشرف: و اگر در این

تقی شهرام: همون چیزهایی که این رفیق میگفت راجع به ضوابط فلان و بهمان اینها رو جمعبندی می کنیم
توش میاریم. چه مساله ایه

بهر روز ارمغانی: راجع به این یک صحبتی دارم که (نامفهوم...) . بود مسئله پشت سرش باز روشنتر صحبت کنیم

تقی شهرام: بله

بهر روز ارمغانی: ببینید رفیق من معتقدم که گروههایی که ما در شرایط کنونی به اصطلاح آنها را وابسته به
اریستوکراسی کارگری میدونیم یا

چریکهای فدائی خلق ایران